

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۱۳ اپریل ۲۰۰۹

انتری و منتری

قلم جولان نمود و ، سامری کرد
حکایت از مریخ و منتری کرد
به روی صفحه تدبیر بنوشت
که با ما دوستی . سرسری کرد
نمودم دعوتش ، در بزم عرفان
نیامد ، بس بهانه انتری کرد
عزیزی گفت ! دست بردار از او
به انترها نباید منتری کرد
وطندار است ، او با شوهر من
امور مذهبی را رهبری کرد
به صدر محفل و مجلس نشیند
قیامت های صحن محشری کرد
کلام حق بود ورد زبانش
به هر تفسیر او خوشباوری کرد

مريضانرا دهد ، تعويذ و طومار
هميشه کاتبی. دفتری کرد
چراند چشم ، بر خوبان. مهرو
و تعريف زنان. چون پری کرد
کلامش ، پُر ز موج. عشق باشد
که دام و دانه بر کبک. دری کرد
به هر باری که با من دست دادی
شکارم کرده و جادوگری کرد
نگاه خپ خپش از گوشه چشم
به دلداری ، دلم را دلبری کرد
به تدریس. صغیران شوق دارد
مدرس است و خو برو پروری کرد
اگر حاجت ، ز حاجاتش برآرم
مبادا تا ابد ، خواهشگری کرد
خلاصه خیلی نزدیکست با ما
مس. زنگیده اش را زر زری کرد
برو از دشت. او صرف نظر کن
به شاخ بوش و کرزی همسری کرد
نویس از **ناظم** و خوبان. هامبورگ
شکایت بر **اسیر** ، از **باختری** کرد
به **معروفی** ز بهر. نشر بفرست
که (**افگ آزاد**) رویش داوری کرد
ز **اخلاصی** که دارد ، خیلی ممنون
ز **شخصی** **نظر**، یاد آوری کرد
به **کاندیدان** ندارم ارتباطی

به اعمارِ وطن ، نو آوری کرد

به لیلا ، زن دو سه زنگِ خطر را

که مجنون از مَنّت ، فرمانبری کرد

برای حضرتِ وهاجِ شعری

که دردِ دل به «نعمت» سروری کرد